

مصادیقی از حقوق دین اسلام در فرهنگ رضوی

مرتضی رحیمی^۱

چکیده

فرهنگ رضوی در کنار حقوق انسان ها برای دین اسلام حقوقی همچون: لزوم وفاداری، رفع شبهات، عمارت عبادتگاه و... برشمرده و رعایت آنها را ضروری دانسته است. کاربرد کلمه حق درباره دین با کاربرد آن در مورد انسان متفاوت می باشد، زیرا حقوق مزبور بر خلاف حقوق انسان، قابل اسقاط نیستند، از همین روی برخی از فقها آن ها را احکام نامیده اند. هدف از پژوهش حاضر که با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است آن می باشد که با بیان نمونه هایی از حقوق دین اسلام، فرهنگ سازی نموده و به رعایت عملی آن ها تشویق کند. از این پژوهش برمی آید که با توجه به لزوم ایمان به نبوت، پیامبران آسمانی، کتب و معابد آنها مورد احترام هستند؛ رعایت حقوق ادیان آسمانی موجب ایجاد نشاط، همدلی و آرامش بین مردم بوده و در کاهش، یا از بین بردن خشونت بسیار مؤثر است. ضرورت زیبا معرفی شدن دین اسلام، که از جمله حقوق آن می باشد، موجب جذب دیگران به اسلام می گردد و نشان دادن چهره خشن از دین اسلام دین گریزی و دین زدگی را موجب می شود، مسلمانان می توانند با رفتارهای زیبای خود چهره زیبایی از دین نمایش دهند و از آن دفاع کنند. ائمه (ع) از جمله امام رضا(ع) برپای دارندگان و محافظان واقعی دین هستند، لذا برای دریافت چهره واقعی دین باید به ایشان مراجعه شود.

کلمات کلیدی: دین، حقوق، پیامبران، کتب آسمانی، فرهنگ رضوی.

۱ - دانشیار دانشگاه شیراز دانشکده الهیات و معارف اسلامی بخش علوم قرآن و فقه؛

پست الکترونیکی: mrahimi@shirazu.ac.ir

مقدمه

نظر به نیاز مبرم انسان‌ها به دین و نقش انکار ناپذیر آن در زندگی مردم، ائمه(ع) از جمله امام رضا (ع) به دین توجه خاص نموده و به صور گوناگون از اهمیت آن سخن گفته و در کنار حقوق مردم و دیگر مخلوقات، حقوقی را برای دین برشمرده و مردم را به رعایت آن حقوق تشویق و ترغیب نموده و در کنار توصیه به خیرخواهی نسبت به مردم به خیرخواهی نسبت به دین سفارش کرده اند، چنان که رسول خدا(ص) فرموده اند: «رَأْسُ الدِّينِ النَّصِيحَةُ. قَالُوا لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ لِلَّهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَتَمِّهِ الْمُسْلِمِينَ وَ عَامَّتِهِمْ» (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج: ۱، ۶۷۰). اساس دین، خیر خواهی برای خدا و دین خدا و پیغمبر خدا و کتاب خدا و پیشوایان مسلمانان و همه مسلمانان است.

سخن یاد شده نشانگر آن است که دین و مردم دو شخصیت و حیثیت جدا بوده و جدای از حقوق مردم، دین نیز حقوقی دارد، که رعایت آنها ضروری است، بدیهی است که خیرخواهی نسبت به دین با رعایت حقوقی که برای دین بیان خواهد شد، امکان پذیر خواهد بود.

امام رضا (ع) به لزوم خیرخواهی نسبت به دین تأکید نموده و در زیارت علی (ع) درباره خیرخواهی علی (ع) فرموده اند: « جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ » (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج: ۲: ۲۴۲)

با توجه به آن که خداوند و پیامبر(ص) از پایه های اساسی دین هستند استفاده لزوم خیرخواهی نسبت به دین اسلام از سخن یاد شده انکار ناپذیر است.

در مقابل خیرخواهی مردم نسبت به دین، خیرخواهی دین نسبت به مردم نیز مورد توجه قرار گرفته و در متون اسلامی به آن تصریح شده است، چنان که پیامبران که از دین سخن گفته و آن را تبلیغ می کنند، به خیرخواه بودن خود اشاره نموده اند، مثلاً خداوند از قول حضرت نوح(ع) فرموده است: «أَبْلَغُكُمْ رسالاتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ. هدف من این است که رسالت پروردگار را انجام داده و دستورات او را به شما برسانم و در این راه از هیچ گونه خیرخواهی فروگذاری نمی کنم.» (اعراف: ۶۲)

نظر به اهمیت دین، امام رضا (ع) اشاره کرده اند که باید محکم ترین و رقیق ترین قلب ها جای دین خدا باشد آنجا که فرموده اند: « أَنْ لِلَّهِ فِي عِبَادِهِ آيَةٌ وَ هُوَ الْقَلْبُ فَأَحْبَبُهَا إِلَيْهِ أَصْفَاهَا وَ أَصْلَبُهَا وَ أَرْفَهَا أَصْلَبُهَا فِي دِينِ اللَّهِ وَ أَصْفَاهَا مِنَ الذُّنُوبِ وَ أَرْفَهَا عَلَى الْإِحْوَانِ. (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ۶۷: ۵۶) همانا خداوند در بندگان خود ظرفی بنام قلب دارد، محبوب ترین قلب ها در نظر خداوند پاکیزه ترین و محکم-

ترین آنها است و رقیق ترین قلب ها محکم ترین آنها در دین خداوند و پاکیزه ترین آنها از گناهان و دلسوزترین آنها برای بندگان است».

علی (ع) به صورت صریح، نصیحت و خیرخواهی را از جمله حقوق متقابل امام و مردم برشمرده آنجا که فرموده اند: « أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ...» (سید رضی، ۱۴۱۰: ۴۴) ای مردم همانا من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی. اما حق شما بر من یکی نصیحت و خیرخواهی نسبت به شما، و دیگری به طور کامل درآمد عمومی شما را به شما برگردانم. و اما حق من بر شما یکی وفاداری شما است به میثاق بیعت و دیگری نصیحت کردن و خیرخواهی برای من است در آشکار و نهان. با توجه به آن که امامت یکی از ارکان و اجزاء دین است، از روایت مزبور می توان اهمیت خیرخواهی نسبت به دین را به عنوان یکی از حقوق آن نتیجه گرفت.

خیرخواهی نسبت به دین که در متون اسلامی به صور گوناگون به آن توصیه و سفارش شده است، مستلزم در نظر گرفتن حقوقی برای دین می باشد. در سخن امام رضا (ع) حقوق دین در دو قسمت دین اسلام و دیگر ادیان مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که موضوع حاضر علی رغم اهمیت و نیاز مبرم به طرح و بررسی آن به طور مستقل مورد توجه قرار نگرفته و تنها در منابع حدیثی و تفاسیر و کتب آیات الاحکام به مواردی اشاره شده است، از این روی تحقیق حاضر به این امر پرداخته و پرسش‌هایی، مانند «آیا در سخن امام رضا (ع)، دین اسلام از حقوقی برخوردار است؟»، «آیا دیگر ادیان در سخن امام رضا (ع) حقوقی دارند»، «رعایت حقوق ادیان چه فایده دارد؟» و... پاسخ داده است.

مفهوم شناسی حق

کلمه «حق» در لغت به معانی چندی، همچون خلاف و نقیض باطل، ثبوت (فراهِیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۶) و... به کار رفته است. عناوین عدالت، اسلام، مال، ملک، موجود ثابت، صدق موت و حزم از معانی و مصادیق حق برشمرده شده‌اند (فیروز آبادی، بی تا، ج ۳: ۲۲۱) علی رغم معانی گوناگون حق که به آنها اشاره رفت، همه آنها به معنای ثبوت بازگشت داشته و دیگر موارد از قبیل اشتباه مفهوم به مصداق هستند.

در اصطلاح کلمه «حق» در مورد انسان و غیر انسان، از جمله دین مفهوم یکسانی ندارند، زیرا حق در مورد انسان تعاریفی دارد، مثلاً برخی در تعریف آن گفته‌اند: «حق عبارت است از توانایی انسان بر انسان یا بر چیز دیگری، اگر متعلق حق، عین خارجی باشد به آن «عینی» گفته می‌شود، نظیر مالکیت، حق انتفاع، حق ارتفاق و امثال این حقوق؛ اما اگر متعلق حق ذمه شخص دیگری باشد، به آن «حق دینی» گفته می‌شود، مثل حق بستانکار بر بدهکار.» (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۹۸) گاهی در تعریف حق درباره انسان گفته می‌شود که «آنچه قابل اسقاط است و اگر قابل اسقاط نباشد، به آن حکم می‌گویند.» (مقیم‌ی حاجی، ۱۳۸۵ش: ۱۴۰)

بدیهی است که بر اساس تعریف دوم حق، حق دین و موارد مشابه آن قابل اسقاط نیستند، با این وجود، قابل اسقاط نبودن حق در این موارد وضعیت آن را دشوارتر و حساس‌تر می‌کند، زیرا تنها راه خروج از عهده آن، انجامش می‌باشد و اگر در مورد انسان‌ها با جلب رضایت از ایشان بتوان از انجام آن سرباز زد و از زیر تکلیف آن شانه خالی نمود، اما در مورد دین به علت قابل اسقاط نبودن آن، انسان به‌ناچار باید به آن حقوق یا احکام پای بند باشد. تعریف اول حق نیز در مورد دین و موارد مشابه آن بی‌معناست.

کاربرد کلمه «حق» در سخن امام رضا (ع) درباره حق ائمه (ع) نشانگر کاربرد متفاوت آن می‌باشد، چنان که فرموده‌اند: «من جحد حقّی، کان کمن جحد ابائی.» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۲۶) هر کس حق مرا انکار کند، مانند آن است که پدرانم را انکار نموده است.

کاربرد کلمه «حق» در مواردی، مانند مسجد، خداوند، دین، حیوان، معلم و... به معنای لزوم حفظ حرمت آنها با شیوه‌های مناسب می‌باشد و منظور از حق در موارد یاد شده، حق مالی نیست. با توجه به مفهوم لغوی کلمه «حق» که به معنای ثبوت است، کلمه مزبور بر هر امری که در ظرف مناسب خود قرار گرفته اطلاق می‌شود، چه ثبوت تکوینی و چه اعتباری، از این رو همه مجعولات اعتباری - از جمله احکام تکلیفی و وضعی - را شامل می‌شود. (توحیدی تبریزی، ۱۳۷۷ش، ج ۲: ۵۴) در این نوع کاربرد حق که همه مجعولات اعتباری، از جمله احکام وضعی و تکلیفی را شامل می‌گردد، مواردی، چون حق خداوند بر بندگان خود، حق دین، حق امام، حق حاکم بر رعیت و حق رعیت بر حاکم و دیگر حقوقی که در رساله حقوق امام سجاد (ع) و سخنان دیگر معصومان (ع) از جمله امام رضا (ع) مورد اشاره قرار گرفته‌اند قابل تحلیل هستند.

حقوق دین اسلام در نگاه امام رضا(ع)

با توجه به آنچه در تعریف حق گذشت در متون اسلامی، از جمله سخنان امام رضا (ع) مواردی به عنوان حقوق دین اسلام شمرده شده اند، که نمونه هایی از آنها به شکل ذیل مورد اشاره و بررسی قرار می گیرند:

۱- عدم صدّ از دین اسلام

در قرآن از صد دین، یعنی منع و جلوگیری آن به شکل «صدّ عن سبیل الله» (البقره: ۱۲۶) و «فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ» (توبه: ۹) و... یاد شده و مورد نکوهش قرار گرفته است. در تعبیر مزبور منظور از سبیل الله در آیه نخست وظایف دینی است و در آیه دوم منظور از «صد عن سبیل» منع دیگران از پذیرش دین اسلام و تشریف به آن است. (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۶: ۱۸۴) بدیهی است که دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین حق دارد که در معرض انتخاب دیگران قرار گرفته و وظایف و عبادات آن با آزادی انجام شود.

امام رضا (ع) صد از دین اسلام را مورد نکوهش قرار داده و فردی که مقداری از حدیثی را حذف نموده به عنوان «صد از دین خدا» نکوهش کرده و به وی فرموده اند: «وای بر تو چگونه جرأت پیدا کردی مقداری از حدیث را قطع کنی پیرمرد از خدا بترس و از آنها که مانع پیشرفت دین اسلام شدند نباش» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۴۱).

۲- دفاع از دین اسلام :

از جمله حقوق دین اسلام و از جمله لوازم خیرخواهی نسبت به آن دفاع از آن است، از همین روی در قرآن از نشستن در مجالسی که آیات خدا مورد استهزاء قرار می گیرند نکوهش شده و از مسلمانان خواسته شده که با ترک چنین مجالسی از دین اسلام و مرز عقیدتی خود دفاع کنند، چنان که خداوند فرموده است: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ» (نساء: ۱۱۲) از سخنان امام رضا (ع) بر می آید که با توجه به آیه یاد شده نشستن در مجالس معصیت مثل مجلس شرب یا مجلس لهو و لعب یا مجلس غیبت و مجالس استهزای به مقدسات دین یا پیامبران و ائمه (ع) حرام است، چنان که آن حضرت به استناد به آیه یاد شده از شرکت در مجالس گروههای انحرافی، همچون واقفیه نهی نموده اند (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۶۱).

امام رضا(ع) همچنین زمامداری از دین و دفاع از آن را از وظایف امام برشمرده و فرموده اند: «إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ... الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ» (صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۱۸). همانا امامت زمامداری دین و نظام مسلمانان است... امام حلال خدا را حلال نموده و حدود خدا را بر پای داشته و از دین خدا دفاع می کند.»

امام رضا (ع) همچنین فرموده: «وقتی شنیدی مردی حق را انکار و تکذیب نموده و به اهل خود پیوسته است، از نزد او بلند شو و با او نشین، زیرا خداوند فرموده است: وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)». امام رضا(ع) به نقش خمس و ضرورت آن در دفاع و حفظ دین تأکید نموده و فرموده اند: «إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنٌ عَلَى دِينِنَا وَ عَلَى عِبَالَتِنَا وَ عَلَى مَوَالِينَا وَ مَا نَبْدُلُهُ وَ نَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَزُوهُ عَنَّا...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۳۷۵). خمس، کمک ما، بر حفظ دین، خانواده و شیعیان ماست و وسیله حفظ آبرو از کسانی که بیم قدرتشان را داریم. آن را از ما دریغ ندارید»

۳- رفع شبهات از دین

از جمله حقوق دین اسلام و لوازم خیرخواهی آن و دفاع از آن زدودن و رفع شبهات از دین است. قرآن و پیامبر اسلام (ص) و دیگر معصومین(ع) با صور گوناگون در زدودن شبهات از دین تلاش نموده اند، چنان که امام رضا(ع) در مناظرات و سخنرانی هایشان درباره اصول و مفاهیم عقیدتی اسلام بسیار سخن گفته و اوهامی که در بعضی از کینه توزان به اسلام و جاهلان به احکام آن اثر گذاشته بود را رد کرده و فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ أَصْحَابُ الْمَسَائِلِ الْمُحْنَةَ لِيَجِدُوا سَبِيلًا إِلَى الشُّبْهَةِ وَ الضَّلَالَةَ وَ مَنْ أَرَادَ لَبْسًا لَيْسَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۳۱): سؤالات چیزی را جز امتحان ما و اینکه راهی به سوی شبهه و گمراهی پیدا کنند نیست، و کسی که بخواهد چیزی را مشتبه کند خدا خود او را مشتبه نموده و او را به خودش وامی گذارد. تو و اصحابت به پاسخ من به سؤالاتتان توجه نخواهید کرد. پس آن با من است.»

امام رضا (ع) علاوه بر توصیه به رفع شبهات از دین اسلام، از ایجاد و القاء شبهه و شک نسبت به دین و دو دل بودن نسبت به آن را نکوهش نموده و فرموده اند: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ انظُرُوا لِنَفْسِكُمْ وَ دَعُوا التَّقْلِيدَ وَ تَجَنَّبُوا الشُّبْهَاتِ فَوَ اللَّهُ مَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا مِنْ عَبْدٍ لَا يَأْتِي إِلَّا بِمَا يَعْقِلُ وَ لَا يَدْخُلُ إِلَّا فِيمَا يَعْلَمُ أَنَّهُ حَقٌّ وَ الرَّبُّ شَكٌّ وَ إِذْمَانُ الشُّكِّ كُفْرٌ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ صَاحِبُهُ فِي النَّارِ (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۹۸): از

خداوند بترسید، و به حال خود فکر کنید، و تقلید را کنار بگذارید، و از شبهات بپرهیزید، به خدا سوگند خداوند تعالی عمل و عقیده‌ای را از کسی نمی‌پذیرد مگر آن که از روی اندیشه و عقل انجام داده باشد، و نپذیرفته باشد مگر آن را که حق بودنش را عقل امضا می‌کند و دو دلی شک است و پیوسته دو دل بودن کفر به خداوند متعال است و جایگاه دو دل آتش دوزخ خواهد بود.

همچنین پیامبر(ص) فرموده اند: « إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَ الْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَأَطِهُرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴: ۱۲۳): هر گاه پس از من اهل ریب و بدعت را دیدید بیزاری خود را از آنها آشکار کنید».

منظور از اهل ریب کسانی هستند که در دین شک نموده و با القاء و ایجاد شبهات موجب تردید و شک دیگران می‌شوند.

امام رضا (ع) همچنین مجادله درباره دین اسلام را مورد نکوهش قرار داده و فرموده اند: «لَعَنَ اللَّهُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي دِينِهِ أَوْلَيْكَ مُلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ ع (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۷۹؛ صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۶۵): خدا لعنت کند آنان را که درباره دین ایشان مجادله می‌کنند آنها با زبان پیامبرشان لعن شده اند».

جدال عبارت است از: دلیلی که صرفاً برای منصرف نمودن خصم از آنچه که بر سر آن نزاع می‌کند بکار برود، بدون این که خاصیت روشنگری حق را داشته باشد، بلکه عبارت است از این که آنچه را که خصم خودش به تنهایی و یا او و همه مردم قبول دارند بگیریم و با همان ادعایش را رد کنیم. قید "بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ" در آیه « جَادِلْهُمْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ. » (نحل: ۱۲۵) نشانگر آن است که بعضی از موعظه‌ها حسنه نیستند، همچنین بعضی از مجادله‌ها حسن (نیکو) و بعضی دیگر احسن (نیکوتر) بوده و بعضی دیگر اصلاً حسن ندارند و اگر نه خداوند موعظه را مقید به حسن و جدال را مقید به احسن نمی‌کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۳۷۳)

۴- دین را خوب و زیبا نشان دادن

نظر به زیبا بودن خداوند و نعمت هایش، از جمله حقوق دین آن است به صورت جذاب و زیبا به دیگران معرفی شود نه با ظاهری زشت و بد، از همین روی در سخنی از علی (ع) آمده است که: «انَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ: خدا زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد؛ و دوست می‌دارد که آثار نعمت را بر بنده خویش ببیند.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۳: ۷) با توجه به آن که به

تصریح امام رضا (ع) (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج: ۱، ۳۸۶) و مفسران (طیب، ۱۳۷۸ش، ج: ۵، ۲۷۴) به موجب آیه «لتسألنَّ عن النعیم» (تکواثر: ۸) دین اسلام از جمله نعمت‌های خداوند می‌باشد، بدیهی است که همانند خداوند زیبا بوده و ما نیز باید آن را با چهره زیبا و دلنشین و جذاب به دیگران نشان دهیم. نشان دادن دین با چنین چهره‌ای موجب جذب دیگران به آن می‌شود، از همین روی در روایات از مردم خواسته شده که عملاً باعث سربلندی دین باشند نه آن که موجب خواری آن گردند، چنان که در امام رضا (ع) فرموده اند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ - وَ الْجِتْهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ - وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ - وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ - فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ ص صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ - وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عَوِّدُوا مَرْضَاهُمْ وَ اذُّوا حُقُوقَهُمْ - فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ - وَ آدَى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خَلْقَهُ مَعَ النَّاسِ - قِيلَ هَذَا شَيْعِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ - اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا سِينًا - جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ اذْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ - فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ - وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ (امام رضا ع، ۱۴۰۶ق، ف: ۳۵۶). شما را به تقوی در برابر خدا، و خود داری [از گناهان] در دینتان، و کوشیدن برای خدا، و راستگویی، و ادای امانت به کسی که شما را امین دانسته است اعم از این که نیکوکار باشد یا بدکار، سفارش می‌کنم [و شما را] به طول سجده و حسن همجواری [سفارش می‌کنم] برای این گونه [کردارها] محمد صلی الله علیه و آله آمده است، در میان اجتماع ایشان نماز بخوانید و در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید و مریض‌های ایشان را عیادت کنید، و حقوق ایشان را بپردازید، به درستی که یک نفر از شما، وقتی پروای دینی داشته باشد، و حرف‌هایش را راست بگوید، و امانت را ادا کند، خلق او با مردم نیکو باشد و گفته شود: این شیعه است، این سخن مرا شاد و مسرور می‌کند، از خدا بترسید، زینت باشید و عار و ننگ نشوید، هر محبت و دوستی را نسبت به ما جذب کنید و هر بدی را از ما برگردانید. زیرا هیچ حسنی به ما نسبت داده نشده مگر این که ما اهل آن هستیم، و هیچ بدی به ما نسبت داده نشده مگر این که ما اهل آن نیستیم.

با توجه به گستردگی دایره نعمت‌های خداوند در زیارت امین الله، زائر با جمله «محبوبه فی ارضک و سمائک.» از خداوند درخواست می‌کند که در زمین محبوب مردم و در آسمان محبوب خداوند باشد. (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج: ۲، ۲۳۹) بدیهی است که به طریق اولی باید دین با چهره محبوب و دوست داشتنی به دیگران عرضه و معرفی شود.

از جمله دلایل اهمیت و ضرورت نشان دادن دین با چهره خوب و زیبا آن که در روایتی از امام صادق(ع) ضمن تأکید بر حسن معاشرت، خواسته شده که مردم را نسبت به دین علاقمند کنند، زیرا در آن آمده است که: « أَنْ إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةَ كَانَتْ بِالسَّيْفِ وَالْعَسْفِ وَالْجَوْرِ وَأَنَّ إِمَامَتَنَا بِالرَّفْقِ وَالتَّأْلِفِ وَالْوَقَارِ وَالتَّقِيَّةِ وَحُسْنِ الْخُلُطَةِ وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فَرَعَّبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَفِيمَا أَنْتُمْ فِيهِ » (مجلسی، ۱۴۱۰ ق، ج ۶: ۱۷۰) آیا نمی‌دانید که روش سیاست اموی بر سختگیری و عنف و شدت است ولی راه و روش ما بر نرمی و مدارا، حسن معاشرت، به دست آوردن دلها، وقار، تقیه، ورع و کوشش است؟ تا می‌توانید کاری کنید که مردم متمایل به دین گردند و فراری نشوند.

۵- لزوم وفاداری نسبت به دین اسلام

با توجه به گستردگی عقود در آیه « أَوْفُوا بِالْعُقُودِ » (مائده/۱) و نظر به آن که یکی از معانی عقد، عهدی است که خداوند عالم از بندگان اخذ نموده بر ایمان آوردن و اطاعت کردن به اوامر و تکالیف الهیه خود تأکید دارد. (جرجانی حسینی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۷۳) از جمله حقوق دین اسلام آن است که مسلمانان بر آن پای بند مانده و راه ارتداد و خروج از آن را در پیش نگیرند، از همین روی امام رضا (ع) ضمن توصیه به گرفتن دین از پیامبران نه از روی تقلید با اشاره به آیه « إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ. » (زخرف: ۲۳) از ارتداد نکوهش نموده و فرموده اند: «وَيَلِكُمْ إِنَّ الدِّينَ لَا يُؤْخَذُ مِنَ الْآبَاءِ وَإِنَّمَا يُؤْخَذُ مِنَ الْأَمْنَاءِ فَمَجُوسِيٌّ أَسْلَمَ خَيْرٌ مِنْ مُسْلِمٍ إِرْتَدَ. » (عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۱۱۵) وای بر شما دین را باید از پیامبران آموخت نه از آباء و اجداد، از این رو مجوسی که پس از مجوسی بودن مسلمان شده از مسلمانی که مرتد شده بهتر است.

امام رضا(ع) در جای دیگر اشاره نموده اند که از ذبیحه قدریه و جبریه - که به جبر قائل هستند - نخورید، شهادت ایشان را نپذیرید، پشت سر ایشان نماز نخوانید و چیزی از زکات به ایشان ندهید. (صدوق قمی، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۲۴) توصیه ایشان درباره قدریه به موارد یاد شده به دلیل ارتداد ایشان است. امام رضا(ع) با اشاره به لزوم گفتن جمله « وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَيْفًا عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ وِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع مُسْلِمًا. » (امام رضا ع، ۱۴۰۶ ق، ف: ۱۰۵) اعلام وفاداری نسبت به دین اسلام را مورد تأکید قرار داده اند.

از جمله مواردی که از مصادیق وفاداری به دین اسلام می باشد بیزاری از کسانی است که مخالفت دین اسلام می‌کنند، چنان که امام رضا(ع) فرموده اند: « مَنْ خَالَفَ دِينَ اللَّهِ فَأَبْرَأَ مِنْهُ كَأَنَّ مَنْ كَانَ مِنْ

أَيُّ قَبِيلَةٍ كَانَ.» (صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳۵). هر که مخالف دین خدا باشد، من از وی بیزاری می‌جویم هر که باشد و از هر قبیله‌ای که باشد. «همچنین امام صادق (ع) فرموده‌اند: «مَنْ خَالَفَ دِينَ اللَّهِ، وَ تَوَلَّى أَعْدَاءَ اللَّهِ، أَوْ عَادَى أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، فَالْبِرَاءَةُ مِنْهُ وَاجِبَةٌ، كَأَنَّ مَنْ كَانَ، مِنْ أَيِّ قَبِيلَةٍ كَانَ وَ مَنْ عَادَى اللَّهَ فَلَا تَوَلَّاهُ كَأَنَّ مَنْ كَانَ مِنْ أَيِّ قَبِيلَةٍ كَانَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ أَلَذَى يُعَادِي اللَّهَ تَعَالَى قَالَ مَنْ يَعُصِيهِ.» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۳۲) هر که مخالف دین خدا باشد و با دشمنان خدا دوستی نماید، براءت و بیزاری از وی واجب است هر که باشد و از هر قبیله‌ای که باشد و هر که با خدا دشمنی کند با وی دوستی نکن هر که باشد و از هر قبیله‌ای که باشد. به ایشان عرض کردم چه کسی دشمنی خدا می‌کند؟ فرمودند: هر کس که معصیت خدا کند.

امام رضا (ع) همچنین در مناظره‌ای که در آن از اهل ذکر در آیه «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.» (نحل: ۴۳) سخن به میان آمده فرموده: «منظور از اهل ذکر ما هستیم لذا اگر چیزی را نمی‌دانید از ما بپرسید.» پس از آن علمای حاضر در جلسه مناظره گفته‌اند که منظور از اهل ذکر، یهود و نصاری هستند. حضرت در پاسخ آنها فرموده‌اند: «هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ إِذَا يَدْعُونَنَا إِلَى دِينِهِمْ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ أَفْضَلُ مِنْ دِينِ الْإِسْلَامِ؟» (صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۷۴) آیا این سخن درست است در وقتی که ایشان ما را به دین خود دعوت نموده و می‌گویند که دینشان بهتر از دین اسلام است.

امام رضا (ع) در سخن یاد شده با پاسخ خویش وفاداری و غیرت و تعصب را نسبت به اسلام نشان داده و به نوعی آن را تشویق نموده‌اند.

امام رضا (ع) در جای دیگر به نقل از علی (ع) اشاره نموده که علی (ع) اعلام نموده‌اند که بر دین محمد (ص) هستند. امام رضا (ع) با این نقل به نوعی اعلام وفاداری نسبت به دین اسلام را ترغیب نموده‌اند، چنان که فرموده‌اند: «إِنَّكُمْ سَتُعْرَضُونَ عَلَى الْبِرَاءَةِ مِنِّي، فَلَا تَتَّبِعُوا فَإِنِّي عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۲: ۲۹۵) همانا بزودی شما بر بیزاری جستن از من موظف و مجبور می‌شوید، از من بیزاری نجوید، چون من بر دین محمد (ص) هستم.

در غرر الحکم سخن علی (ع) با اندکی تفاوت و به صورت «إِنَّكُمْ سَتُعْرَضُونَ عَلَى سَبِيٍّ وَ الْبِرَاءَةُ مِنِّي فَسُبُونِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبِرَاءَةَ مِنِّي.» (خوانساری، ۱۳۶۶ش، ج ۳: ۷۰) به کار رفته و آقا جمال در شرح آن گفته است:

« یعنی تکلیف خواهند کرد شما را به این که دشنام دهید مرا یعنی ناسزا بگوئید نسبت به من و بیزاری جوئید از من چنان که خلفای بنی امیه لعنهم الله تعالی کردند پس ناسزا بگوئید مرا اما بیزاری مجوئید از من و آن باعتبار این است که ناسزا گفتن باعتبار تقیه جایز می‌شود و بیزاری جستن امری است قلبی و تقیه در آن نمی‌رود پس به هیچ وجه جایز نمی‌شود زیرا که بیزاری جستن از کسی بمعنی این است که در دل دوستی او با او نداشته باشد بلکه بغض و دشمنی او را داشته باشد اما اگر تکلیف کنند باظهار بیزاری جستن از او پس آن نیز حکم ناسزا گفتن دارد و با وجود تقیه جایز است هرگاه قلبی نباشد و مجرد اظهار بزبان باشد» (خوانساری، ۱۳۶۶ش، ج ۳: ۷۴).

وفاداری ظاهری به اسلام به عنوان یکی از حقوق آن به تنهایی کافی نیست، بلکه وفاداری باید خالصانه باشد و از همین روی در متون اسلامی، از جمله قرآن و روایات معصومین (ع) نفاق نکوهش شده است، چنان که پیامبر (ص) فرموده: «مَنْ خَالَفَتْ سِرِّرْتَهُ عَلَانِيَتَهُ فَهُوَ مُنَافِقٌ كَاثِبًا مَنْ كَانَ وَ حَيْثُ كَانَ وَ فِي أَىْ أَرْضٍ كَانَ وَ عَلَىْ أَىْ رُبِّيَّةٍ كَانَ». (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۹: ۲۰۷) کسی که ظاهر او مخالف باطن و قلب او شد منافق است، هر که می‌خواهد باشد و در هر کجا باشد و در هر زمانی باشد و در هر رتبه و مقامی باشد و نیز فرموده اند: «منافق آن کسی است که چون وعده‌ای بدهد تخلف می‌کند، و هر گاه عملی بجا آورد پیش مردم آشکاری نماید، و چون بخواهد حرف بزند دروغ می‌گوید، و اگر به او اطمینان کنند خیانت می‌ورزد، و هر گاه وسعتی پیدا کرده و مالدار باشد بی‌بند و بار می‌شود، و اگر در فشار باشد شروع می‌کند به تقلب و حيله‌ورزی». همچنین امام رضا (ع) خیانت و نفاق را بزرگتر از کفر دانسته اند (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۶).

۶- لزوم احتیاط برای دین اسلام

از جمله حقوق دین اسلام آن است که نهایت احتیاط را برای آن به کار برده و مسلمان در حفظ عملی آن احتیاط نماید و از موارد مشکوک و شبهات که حرام یا حلال بودن آنها قطعی و روشن نیست بپرهیزد، از همین روی امام رضا (ع) از دین به عنوان «أَخ» (برادر) تعبیر نموده و اشاره نموده اند که علی (ع) فرموده اند: «يَا كُمَيْلُ، أَخُوكَ دِينُكَ، فَاحْتِطْ لِدِينِكَ بِمَا شِئْتَ». (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۸۸) ای کمیل دین تو برادرت هست تا می‌توانی برای آن احتیاط کن. امام رضا (ع) همچنین به نقل از پیامبر (ص) فرموده اند: «سه خصلت را از کلاغ بیاموزید: آمیزش در نهان، صبح زود به طلب رزق رفتن و احتیاط.» (صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۵۷) امام رضا (ع) همچنین اشاره فرموده که از جمله دلایل آن که

در قسامه به سوگند پنجاه مرد نیاز دارد احتیاط است تا خون مسلمان به هدر نرود (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۰۵).

۷- لزوم تفقه در دین

از آنجا که به کار بردن دستورات دین برای سعادت دنیا و آخرت مورد نیاز است ضروری است که در مورد دین و دستورات آن تفقه و درک و فهم لازم صورت گیرد، چه آن که بدون تفقه در دین پی بردن به دستورات و حقوق آن ممکن نیست، از این رو از جمله حقوق مهم دین اسلام تفقه آن است، منظور از تفقه، معرفت به معارف و احکام و دستوره‌های دین است، نه معرفت سطحی بلکه معرفت عمقی.

گرچه آیه نفر («فَلَوْ لَا نَفَرَّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.» توبه: ۱۲۲) ظهور در رفتن به سریه و نبرد را دارد، اما ذیل آن بر وجوب تفقه در دین دلالت داشته و به آن امر می کند، از همین روی در روایات به این آیه برای وجوب تفقه در دین استشهاد شده است، نه برای وجوب «نفر» جهت تفقه در دین.

امام رضا (ع) تفقه در دین را یکی از ویژگی‌های سه گانه ضروری برای تکمیل حقیقت ایمان دانسته و فرموده اند: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالُ ثَلَاثِ التَّفَقُّهِ فِي الدِّينِ وَ حَسُنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا.» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۸۵) حقیقت ایمان در بنده‌ای به کمال نمی‌رسد مگر اینکه سه خصلت در او باشد: دین را درست و کامل بفهمد، در معیشت خوب اندازه‌داری کند، در برابر بلاها بردبار باشد.

امام رضا (ع) در جای دیگر ضمن اشاره به اهمیت تفقه و علت نیاز به آن، و نیز ضمن نهی از کنار گذاشتن دنیا به خاطر دین و کنار نهادن دین به خاطر دنیا تفقه در دین را تشویق و سفارش نموده و فرموده اند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَ دِينَهُ لِدُنْيَاهُ تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّهُ أَرَوَى مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ مَا يُخْطِئُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصِيبُ فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ خَاصُّ الْمَرْءِ بِالْمَرْتَبَةِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ فَضْلُ الْفَقِيهِ عَلَى الْعِبَادِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ لَمْ يُزَكَّ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا.» (امام رضا ع، ۱۴۰۶ق، ف: ۳۳۷) از ما نیست کسی که دنیاپیش را به خاطر دینش ترک کند و کسی که دینش را به خاطر دنیاپیش ترک نماید، در دین خدا تفقه و بصیرت پیدا کنید، زیرا روایت شده که هر کس در دین تفقه و بصیرت نیابد موارد عمل نمودن وی به خطا بیش از مواردی است که به صواب و درست عمل کند، چه آن که فقه کلید بصیرت و همه عبادت و

سبب رسیدن به منازل بلند است و آدمی را به مرتبه بزرگ از دین و دنیا می‌رساند و برتری فقیه و بصیر در دین بر بندگان مانند برتری خورشید بر ستارگان است و هر که در دینش تفقه و بصیرت نیابد، خداوند عملی از وی را تزکیه و پاک نخواهد نمود.

از پایان سخن یاد شده استفاده می‌شود که علت آن که از ترک دین به خاطر دنیا و ترک دنیا به خاطر دین نهی شده آن است که با بصیرت و تفقه در دین، دین و دنیا با هم تعارضی نداشته و قابل جمع هستند.

۸- لزوم عمارت و آباد نمودن مساجد

با توجه به نقش مهم مساجد در ترویج دین و جایگاه آن به عنوان اولین دانشگاه‌های اسلامی از جمله حقوق دین اسلام که در سخن امام رضا (ع) به آن اشاره و توصیه شده عمارت و آباد کردن مساجد است، از همین روی در قرآن آباد نمودن مساجد از ویژگی‌های افراد مؤمن برشمرده شده و به آن تشویق گردیده است، چنان که خداوند فرموده است: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ.» (توبه: ۱۸)

امام رضا (ع) عمارت مساجد را از جمله نشانه‌های مردانگی برشمرده و آن را تشویق و توصیه نموده اند، آنجا که به نقل از رسول خدا(ص) فرموده اند: «سِتَّةٌ مِنَ الْمَرْؤَةِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحَضْرَةِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضْرَةِ فِتِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ عِمَارَةُ مَسَاجِدِ اللَّهِ وَ اتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ فَبَدْلُ الزَّادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمِرْآحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي.» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۹۱)

شش موضوع از جوانمردی است، سه تای آنها در دیار شخص مطرح است و سه تای آنها در سفر. و اما آنچه که در شهر و دیار مطرح است: تلاوت کتاب خدا، و آبادانی مساجد خدا، و انتخاب برادر دینی در راه خداست. و آنچه که در سفر مطرح است: بخشش زاد و توشه راه، اخلاق نیکو، و شوخی کردن است در رابطه با آنچه که گناه خدا نباشد.

می‌توان از سخن یاد شده استفاده نمود که عمارت مساجد، تلاوت قرآن و دوست گرفتن برای خدا، با یکدیگر ارتباط داشته و به نحوی مفهوم عمارت را کامل می‌کنند.

در شأن نزول آیه « وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ.» (یس: ۷۸) نیز آمده که بنی سلمه به خاطر دوری منازل خود از مسجد به رسول خدا(ص) شکایت بردند آیه مزبور نازل شد و به ایشان اعلام نمود که به

خاطر دوری منازلشان راهی که برای رسیدن به مسجد طی می‌کنند ثواب و پاداش خواهد داشت، زیرا منظور از آثار، گام‌هایی است که برای رسیدن به مسجد برمی‌دارند (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۳۷۹).

منظور از عمارت مساجد، عمارت قابل قبول و قابل توجه و همراه با اخلاص است، از همین روی پیامبر(ص) فرموده است: «يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا خَلْقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ إِلَيْهِ بِهِمْ حَاجَةٌ.» (شعیری، ۱۴۰۵ق: ۷۰) در آخر الزمان گروهی از امت من خواهند آمد که به مساجد وارد شده و در آنها نشسته و حلقه‌های ذکر ایشان سخن دنیا باشد و در دوستی دنیا با ایشان هم‌نشینی نکنید، زیرا خداوند به ایشان توجهی ندارد و نیز فرموده اند: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يُبْوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ وَ إِنَّ زُؤَارِي فِيهَا عُمَارُهَا.» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۲ق، ج ۲: ۲۱) خداوند فرموده همانا مساجد خانه‌های من در زمین هستند و زائران من در مساجد آباد کنندگان آن هستند.

در قرآن برای عبادتگاه‌های غیر از اسلام، حقوقی بیان شده که از جمله آنها عدم تخریب و آسیب رساندن به آنها می‌باشد، چنان که خداوند در کنار مساجد درباره عبادتگاه‌های دیگر فرموده است: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا: و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد» (حج: ۴۰)

بر اساس آیه یاد شده چنان که خداوند به وسیله بعضی جلو تهاجم بعضی دیگر را نگیرد تمام صومعه‌ها و دیگر مراکز عبادت خراب می‌شوند، مراکز عبادت یهودی‌ها از بین می‌رود، مساجد، یعنی عبادتگاه‌های مسلمانان از بین می‌رود، به عبارتی تهاجم به عبادتگاه‌ها و دیگر سرزمین‌ها موجب می‌شود که هیچ کس به آزادی نتواند خدا را عبادت کند. از همین روی از جمله فواید و فلسفه‌های وجود جهاد حفظ عبادتگاه‌ها می‌باشد، چنان که شهید مطهری گفته است: -گویی در اینجا مخاطبش کشیشها هستند که مذهب و جهاد را ضد یکدیگر می‌دانند - "اگر مذهب است مسئله جهاد دیگر یعنی چه؟ قرآن می‌گوید اگر جهادها برای دفع فسادها نمی‌بود، این معبد جنابعالی هم وجود نداشت. آن کلیسا معبد مسیحی، آن معبد یهودی، آن معبد زردشتی، آن معبد اسلامی و به طور کلی معابد وجود خودشان را مدیون جهادها و دفاعها هستند و الا همیشه افراد فاسد و مفسد که در جامعه هستند، آنها که پایبند به هیچ وجدان و ایمانی نیستند دست به کار می‌شوند، ما هم بگوییم دین و مذهب با این کارها مخالف

است! این همان حرفی است که گفت: سنگ را بسته سگ رها کرده؛ سنگ را ببندید سگ را رها کنید» (مطهری، ۱۳۸۳ش، ج ۲۵: ۲۷۵).

برخی از دانشمندان اسلامی گفته اند: «آیه مزبور دالّ بر آن است که انهدام مکان های مذکور در آیه - که از کفار ذمی یا کفاری که با مسلمانان عهد و پیمان دارند می باشند - جایز نیست.» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵: ۸۳) همچنین از آیه مزبور استفاده می شود که خداوند، فساد و تخریب عبادتگاهها را دشمن می دارد، چه آن که باید نشانه های دین خدا و آثار آن برقرار بوده و آسیب نبینند. از سویی محل های عبادت اهل کتاب از شعائر خداوند هستند. (ملکی میانجی، ۱۴۰۰: ۲۰۰)

۹- سبک شمردن دین اسلام:

از جمله حقوق دین اسلام که در متون اسلامی، از جمله سخن امام رضا(ع) مورد تشویق و توصیه قرار گرفته سبک شمردن آن است.

نظر به قباحت و زشتی استخفاف و سبک شمردن دین، برخی از فقها گفته اند که اگر ترک مستحبات به اندازه ای باشد که موجب استخفاف و سبک شمردن دین و مستحبات شود، سلب عدالت را در پی خواهد داشت (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۳۰۲).

امام رضا (ع) به نقل از رسول خدا(ص) درباره استخفاف و سبک شمردن دین فرموده اند: « اِنِّي اَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالْذِّينِ وَ بَيْعَ الْحُكْمِ وَ قَطِيعَةَ الرَّجْمِ وَ اَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَرَامِيرَ وَ تُقَدِّمُونَ اَحَدَكُمْ وَ لَيْسَ بِاَفْضَلِكُمْ فِي الدِّينِ.» (امام رضا ع، ۱۴۰۶ق: ۷۸؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳۰۸)

در سخن یاد شده ضمن نکوهش از سبک شمردن دین به برخی از مصادیق آن، از جمله مقدم نمودن فردی که از نظر دین افضل از دیگران نیست اشاره شده است.

امام رضا(ع) همچنین فرار از جنگ را به عنوان یکی از اسباب سبک شمردن دین و پیامبران نکوهش نموده و فرموده اند: «حَرَّمَ اللهُ الْفِرَارَ مِنَ الرَّحْفِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْوَهْنِ فِي الدِّينِ وَ الْاِسْتِخْفَافِ بِالرُّسُلِ.» (صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۹۲؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۳۸۰).

همچنین امام رضا(ع) استخفاف و سبک شمردن حج را از گناهان کبیره برشمرده اند. (عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۵۰۳) بدیهی است که استخفاف و سبک شمردن یکی از احکام دین، استخفاف و سبک شمردن دین تلقی می شود.

نقطه مقابل استخفاف و سبک شمردن دین، تعظیم و بزرگ شمردن آن است که در آیه « وَ مَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ. » (الحج: ۳۲) مورد تشویق و توصیه قرار گرفته است. با توجه به آن که یکی از معانی شعائر، دین خداوند می باشد. (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج: ۵، ۷۸) لزوم بزرگداشت و احترام نهادن به دین انکار ناپذیر است.

۱۰- لزوم پرهیز از بدعت در دین:

بدعت در لغت عبارت است از: تازه، نو، جزء نوی که بی سابقه و بدون الگو درست شده باشد. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۴، ۲۹۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج: ۲، ۵۴) با توجه به آیه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (البقره: ۱۱۷) یکی از اوصاف خداوند بدیع می باشد و بدیع یعنی خالق، البته خالق که مخلوقش الگو و سابقه ندارد. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۴، ۲۹۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج: ۲، ۵۴)

در خصوص مفهوم اصطلاحی بدعت دیدگاه‌های چندی قابل طرح است، از جمله آن که بدعت ایجاد و وارد نمودن چیزی که از دین نیست در دین می باشد. (عمانی، ۱۴۱۳ق: ۸۵) یا آن که بدعت در عرف شرع، چیزی را گویند که پس از رسول خدا (ص) پدیدار شده و درباره آن نصی نرسیده و در تحت دستورات عمومی هم نباشد یا به طور خصوص یا عموم از آن نهی شده است. (مصطفوی، بی تا، ج: ۴، ۸۴) بر اساس تعریف اخیر آنچه در عمومات (واجبات یا مستحبات) داخل است بدعت تلقی نمی شود، مانند ساختن مدارس و مشابه آنها، زیرا این گونه موارد در عمومات (مستحبات) سکنا دادن به مؤمن و کمک کردن به آنها داخل هستند. همچنین تألیف کتاب‌های علمی در کمک به علوم شرعیه داخل بوده و لذا بدعت نمی باشند. پوشیدن یا دوختن جامه‌ها و یا خوردن غذاهایی که در زمان رسول خدا (ص) نبوده نیز در عمومات حلیت (زینت و اکل) داخل بوده و نهی درباره آنها نرسیده است، لذا هیچ‌یک از آنها بدعت نمی باشند.

هر بدعتی حرام نیست بلکه با توجه به احکام خمسسه تکلیف بدعت به پنج قسم تقسیم می شود که عبارت‌اند از:

۱- بدعت واجب: نوشتن، گردآوری و تدوین سنت پیامبر. زیرا قوام شریعت به قرآن است و سیره نیز مقوم شریعت می باشد.

۲. بدعت حرام: شستن پا در وضو حرام است، زیرا وظیفه مسح می باشد نه شستن.

۳. بدعت مستحب: ساختن مدرسه که کاری نیکو و قابل ستایش است.

۴. بدعت مکروه: تغییر در امور مستحب، مکروه می باشد. مثل آن که کسی در تسبیحات حضرت زهرا(ع) ذکر را سی بار بگوید.

۵. بدعت مباح: تغییر و تحول در امور زندگی است. تغییر غذا، تغییر لباس و عادات دیگر. مثلاً گرفتن سبوس از آرد گندم که قبلاً در نان وجود داشت و اینک ندارد. (سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۵: ۳۹۸ و ۳۹۹)

در تقسیم بندی دیگری، بدعت به دو نوع حقیقی و نسبی تقسیم می شود، بدعت حقیقی چیزی است که برای آن دلیلی از کتاب و سنت و اجماع در کار نباشد، هر چند بدعت گزار مدعی است برای آن در شرع دلیل وجود دارد؛ مثلاً در قرآن آمده است که یهودیان، احبار خود را و مسیحیان، رهبان‌های خود را به جای خدا ارباب خود گرفتند. (توبه: ۳۱) یا برخی از غذاها و گوشت‌ها را بر خود حرام کرده بودند(آل عمران: ۹۳) که این دو نمونه مصداق بارزی از بدعت حقیقی می باشد.

بدعت نسبی آن است که از طرفی چون برای آن فعل دلیل داریم بدعت نیست و از طرف دیگر چون به شارع نسبت می‌دهیم بدعت می باشد. (سبحانی، ۱۳۹۳ش: ۸۹)

با توجه به آنچه در مفهوم بدعت گذشت از جمله حقوق مهم دین اسلام پرهیز از بدعت در آن است. از بدعت در متون اسلامی نکوهش شده است، چنان که پیامبر(ص) فرموده است: «كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ» (شعیری، ۱۴۰۵ق: ۱۸۲) هر بدعتی ضلالت و گمراهی است و هر ضلالت و گمراهی جای آن دوزخ است. و نیز امام صادق(ع) فرموده اند: «لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ» قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ. (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴: ۱۲۳) با اهل بدعت مجالست و همنشینی نکنید که از نظر مردم یکی از آنها محسوب می شوید رسول خدا(ص) فرموده اند آدمی بر دین دوست و برادر است. و نیز رسول خدا(ص) فرموده اند: «إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَ الْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَأَظْهِرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ وَ أَكْثِرُوا مِنْ سَبِّهِمْ وَ الْقَوْلِ فِيهِمْ وَ الْوَقِيعَةَ وَ بَاهِتُوهُمْ كَيْلًا يَطْمَعُوا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَ يَخْذَرَهُمُ النَّاسُ وَ لَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بَدْعِهِمْ يَكْتُبِ اللَّهُ لَكُمْ بِذَلِكَ الْحَسَنَاتِ وَ يَرْفَعُ لَكُمْ بِهَا الدَّرَجَاتِ فِي الْآخِرَةِ» (همان) هر گاه پس از من اهل ریب و بدعت را دیدید، بیزاری خود را از آنها آشکار کنید، و ایشان را بسیار سب کنید و درباره آنها بد بگویید، و آنها را با برهان و دلیل خفه کنید که (توانند در دل مردم القاء شبهه کنند و) نتوانند به فساد در اسلام طمع کنند، و در نتیجه مردم از آنها

دوری کنند و بدعت‌های آنها را یاد نگیرند، و خداوند در برابر این کار برای شما حسنات بنویسد و درجات شما را در آخرت بالا برد.

نظر به قباحت و حرام بودن بدعت در دین، در زیارت امام رضا(ع) اهل بدعت مورد نکوهش و لعن قرار گرفته اند، زیرا در آن آمده است: «لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً ظَلَمْتَكَ لَعْنُ اللَّهِ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ وَ الْبِدْعَةِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.» (صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۷۰) خدا لعنت کند امتی که به شما ظلم نمودند، خدا لعنت کند امتی را که اساس ظلم و ستم و بدعت بر شما اهل بیت را بنیان نهادند.

امام رضا(ع) همچنین ایجاد دین را از جمله گناهان غیر قابل بخشش دانسته و فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ غَافِرٌ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ أَحَدَثَ دِينًا أَوْ اغْتَصَبَ أُجِيرًا أَوْ رَجُلًا بَاعَ حُرًّا.» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۸۹؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۶: ۲۱۹) همانا خداوند هر گناهی را می بخشد جز کسی که دینی را ایجاد کند یا مزد اجیری را غصب نماید یا فردی که شخص آزادی را بفروشد.

امام رضا (ع) همچنین از تزیین این حق دین در زمان‌های بعد هشدار داده و به نقل از رسول خدا(ص) فرموده اند: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْأَنْكُ فِي النَّارِ يَخْنِي الرِّصَاصَ وَ مَا ذَاكَ إِلَّا لِمَا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ وَ الْأَحْدَاثِ فِي دِينِهِمْ وَ لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُ غَيْرًا.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۱۴۰) زمانی بر مردم خواهد آمد که دل مؤمن در درونش آب می شود، چنان که سرب در آتش ذوب می گردد و این بدان جهت است که گرفتاری‌ها و بدعت‌هایی در دینشان می‌بینند اما قدرت بر تغییر آن را ندارند.

۱۲- لزوم احترام به دیگر ادیان آسمانی

در متون اسلامی به صور گوناگون از لزوم احترام به ادیان آسمانی سخن گفته شده، لذا با توجه به اهمیت نبوت و تأکید اسلام بر لزوم ایمان به پیامبران و آنچه از جانب خداوند آورده‌اند، می توان احترام به دیگر ادیان آسمانی را از جمله حقوق دین اسلام تلقی نمود، از همین رو امام رضا(ع) در تفسیر آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ.» (اسراء: ۷۱) فرموده اند: «در روز قیامت - هر گروهی به نام امام زمان خود خوانده شوند، و نیز به کتاب خدا و سنت پیامبرشان فرا خوانده می‌شوند.» (امام رضا ع، ۱۴۰۶ق، ص: ۴۹) استناد یاد شده نشانگر اهمیت کتب آسمانی می باشد؛ همچنین امام رضا (ع) چگونگی دعا برای پیروان ادیان آسمانی، چون یهود و نصاری را بیان کرده و فرموده اند که: «فردی از امام صادق(ع) پرسش

نموده که چگونه برای یهودی و نصرانی دعا کند؟ حضرت به وی فرموده اند: به وی بگو خدا در دنیا به تو برکت دهد» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۹۹).

از جمله دلایل لزوم احترام به ادیان آسمانی آن است که در زمان رسول خدا(ص) جنازه یهودی را از جلو ایشان عبور دادند، حضرت در هنگام عبور جنازه برخاستند، به ایشان گفته شد آن جنازه یک یهودی است، حضرت فرمودند: «ألیست نفساً: آیا آدم نبود» (سید سابق، بی تا، ج ۱: ۵۴۱).

از جمله دلایلی که بر لزوم احترام به دیگر ادیان آسمانی دلالت دارد، تأکید اسلام بر عدم تغییر وصیت اهل کتاب می باشد، زیرا امام رضا(ع) به استناد آیه «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» (البقره: ۱۲۸) از تغییر وصیت یک مسیحی جلوگیری نموده اند، زیرا در روایتی آمده که یک نفر برای گروهی از نصرانی‌ها وصیت کرد که مقداری از اموال او را به آنها بدهند، اصحاب ما می‌گفتند: این مال را در میان فقرای مسلمانان تقسیم کنید، من از حضرت رضا (ع) موضوع را پرسیدم، فرمود: «وصیت را همان طور که موصی در نظر گرفته اجرا کنید، خداوند متعال می‌فرماید: فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۰۹).

همچنین امام رضا(ع) در جای دیگر نسبت به تغییر وصیت یک مجوسی واکنش نشان داده و به جبران آن از طریق اموال صدقات توصیه فرموده است، چنان که عبد الله بن صلت گفته است: خلیل بن هاشم والی نیشابور برای فضل بن سهل نوشت: یک نفر مجوسی در نیشابور فوت کرده و در وصیت خود نوشته مقداری از اموال او را به فقرا بدهند. قاضی نیشابور آن مال را گرفته و به فقرای مسلمانان تقسیم کرده است، فضل ابن سهل این موضوع را برای من نوشت و از او کسب تکلیف کرد. مأمون در پاسخ او گفت: من در این مورد نظری ندارم و نمی‌دانم چه حکمی بدهم، فضل موضوع را از حضرت رضا (ع) پرسید. امام رضا(ع) فرمود: «آن مرد مجوسی که برای فقرای مسلمانان وصیت نکرده است، اکنون باید به همان اندازه که از مال او برداشته شده و به فقرای مسلمین تقسیم گردیده، از اموال صدقات برداشته شود و به فقرای مجوس تقسیم گردد» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۰۹).

امام رضا(ع) علاوه با استناد به آیه «إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ» (مائده: ۱۰۶) به امکان پذیرش شهادت اهل کتاب اشاره نموده و فرموده اند: «دو نفر از مسلمانان و دو نفر از اهل کتاب، و اگر از اهل کتاب کسی پیدا نشد از مجوس باید باشد، زیرا رسول خدا (ص) با مجوس مانند اهل کتاب رفتار می‌کرد.» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۳۱۷) آیه شریفه می

فرماید که هر گاه مرد مسلمانی در سرزمین غربت فوت کند، باید در هنگام مرگ دو نفر مسلمان را در وصیت خود گواه بگیرد، و چنان که در آن منطقه مسلمانی پیدا نشد، دو نفر از اهل کتاب را شاهد بگیرد.

از جمله دلایل لزوم احترام به دیگر ادیان آسمانی آن است که در متون اسلامی از جمله سخنان امام رضا(ع) بر لزوم احترام به پیامبران آسمانی تأکید شده است، چنان که خداوند فرموده است «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» بگو: ایمان به خدا آوردیم و به آنچه بر ما و بر ابراهیم و بر اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (پیامبران تیره‌های بنی اسرائیل) نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است نیز ایمان آورده‌ایم ما در میان آنها فرقی نمی‌گذاریم و ما در برابر او (خداوند) تسلیم هستیم. (البقره: ۱۳۵)

در روایات نیز به صور گوناگون به احترام پیامبران توصیه شده، چنان که امام رضا(ع) به نقل از امام صادق(ع) فرموده‌اند: «مَنْ سَبَّ نَبِيًّا قُتِلَ وَمَنْ سَبَّ صَاحِبَ نَبِيٍّ جُلِدَ». (امام رضا، ۱۴۰۶ق، ص: ۴۳) هر کس پیامبری را دشنام دهد، کشته شود و هر کس صحابه پیامبری را دشنام دهد تازیانه می‌خورد.

امام رضا(ع) در جای دیگر از حضرت اسماعیل (ع) با احترام یاد نموده و درباره علت نام‌گذاری ایشان به «صادق الوعد» (و اذکر فی الکتابِ إسماعیلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا؛ مریم: ۵۴) فرموده است: «ایشان با فردی در جایی وعده گذاشته بود و یک سال آن جا منتظر آن فرد ماند» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج: ۱، ۳۵۶).

از جمله دلایل حق احترام پیامبران در فرهنگ رضوی آن است که امام رضا(ع) اشاره نموده که از جمله دلایل حرمت فرار از جنگ آن است که مستلزم سبک شمردن پیامبران و ابطال دین خدا می‌شود، آن گاه فرموده است: «مجاهدان باید همراه پیامبران و امامان و پیشوایان عادل در ترویج دین خدا همراهی کنند و عدل و داد را در جامعه پیاده کرده و جور و ستم را از بیخ و بن برکنند و فساد و ترویج باطل را نابود کنند» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج: ۲، ۳۸۰).

از دیگر دلایل حق احترام پیامبران در فرهنگ رضوی آن است که امام رضا (ع) به توصیه جبرئیل بر نام‌گذاری امام حسین(ع) به هارون اشاره نموده و فرموده‌اند: «جبرئیل نزد پیامبر(ص) آمده و گفته یا محمد! علیّ اعلیٰ تو را سلام می‌رساند و می‌گوید: چون علیّ نسبت به تو مانند هارون نسبت به موسی است، این فرزندت را به نام پسر هارون نام‌گذاری کن. رسول خدا (ص) پرسید نام فرزند هارون چه بود؟

گفت: «شبیر» حضرت فرمود: این به زبان عبری است و من عربی زبانم!؟ جبرئیل گفت: او را «حسین» نام گذاری کن» (صدوق قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۶).

امام رضا(ع) همچنین به نقل از امام سجاد(ع) به لزوم درس گرفتن از پیامبران اشاره نموده و فرموده اند: «أَخَذْنَا ثَلَاثَةً عَنْ ثَلَاثَةٍ أَخَذْنَا الصَّبْرَ عَنْ أَيُّوبَ وَ الشُّكْرَ عَنْ نُوحٍ وَ الْحَسَدَ عَنْ بَنِي يَعْقُوبَ.» (امام رضا، ۱۴۰۶ق، ص: ۸۳) ما سه چیز را از سه کس گرفته‌ایم، شکیبایی را از ایوب(ع) شکر نعمت را از نوح(ع) و حسد را از فرزندان یعقوب.

امام رضا(ع) همچنین ائمه(ع) را وارثان پیامبران اولی العزم نامیده آنجا که فرموده اند: «نحن ورثة الأنبياء و نحن ورثة أولى العزم من الرسل» (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۹۲).

امام رضا(ع) همچنین با بیان دعای حضرت موسی(ع) برای برادرش حضرت هارون(ع) به نوعی از لزوم احترام به پیامبران سخن گفته اند، آنجا که به نقل از رسول خدا(ص) فرموده اند: «همانا موسی بن عمران دست هایش را بالا برده و گفت پروردگارا برادرم هارون فوت نموده پس وی را ببخش» (امام رضا، ۱۴۰۶ق، ص: ۸۷).

سخن امام خمینی(ره) نیز بر لزوم احترام به ادیان آسمانی، از جمله در انجام اعمال عبادی اشاره دارد، که در آن گفته اند: «ما بارها گفته ایم که رفتارمان با اقلیتهای مذهبی بسیار خوب خواهد بود. اسلام آنها را محترم شمرده است. ما به آنان تمام حقوقشان را می دهیم. آنان حق دارند در مجلس وکیل داشته باشند و آزادند به فعالیتهای سیاسی - اجتماعی بپردازند و آزادانه امور مذهبی خود را انجام دهند. آنان ایرانی هستند و مثل سایر ایرانیان در زیر چتر حکومت اسلامی زندگی با امنیت کامل خواهند داشت.» (خمینی امام، ۱۳۸۹ش، ج ۵: ۲۹۲)

نتیجه گیری

دین اسلام همانند انسان ها و دیگر موجودات و آفریده‌ها و نعمت‌های خداوند از حقوقی برخوردار است، که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره شد، درباره حقوق دین تحقیق مستقلی وجود ندارد، اما در منابع فقهی و تفاسیر آیات الاحکام به برخی از آن حقوق اشاره شده، لذا تحقیق حاضر در پی پاسخ به پرسش‌هایی، همچون «آیا در فرهنگ رضوی، دین اسلام از حقوقی برخوردار است؟»، «از نگاه فرهنگ رضوی آیا دیگر ادیان حقوقی دارند»، «رعایت حقوق ادیان چه فایده دارد؟» به نتایج زیر دست یافته است:

۱- با توجه به لزوم ایمان به نبوت و پیامبران، که فرهنگ رضوی بر آن تأکید نموده است، عبادتگاه‌های ادیان آسمانی، همچون مسیحیت، یهودیت و...، باید محترم شمرده شود. زیرا واژه «مساجد الله» که در قرآن به کار رفته، مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و به معنای مسجد اصطلاحی در مسلمانان نیست، از سویی آنها به خداوند منتسب هستند، از همین رو یکی از فلسفه‌ها و فواید جهاد مسلمانان، جلوگیری از تخریب عبادتگاه‌های اهل کتاب دانسته شده است.

۲- از جمله فواید رعایت حقوق ادیان آسمانی آن است که مواردی همچون: احترام به کتب آسمانی آن ادیان، احترام به پیامبران ادیان آسمانی، احترام به عبادتگاه‌های ادیان آسمانی موجب ایجاد نشاط، همدلی و آرامش بین مردم بوده و در کاهش و یا از بین بردن خشونت بسیار مؤثر است.

۳- بر اساس فرهنگ رضوی عدم رعایت برخی از حقوق، از جمله «لزوم دلنشین و زیبا معرفی شدن دین اسلام» بزرگترین خیانت به دین بوده و موجبات دین‌گریزی و دین‌زدگی را فراهم می‌کند، زیرا دین اسلام از جمله نعمت‌های بزرگ خداوند بوده، از سویی خداوند زیبایی را دوست دارد، لذا نشان دادن چهره خشن از اسلام مثل زشت جلوه دادن نعمت خداوند می‌باشد، از سویی خداوند رحمان و رحیم و رؤوف است؛ فرهنگ رضوی نیز از محبت و مهربانی و همدلی و احترام به دیگران سخن گفته و نسبت به خشونت و تحقیر دیگران هشدار داده است، لذا رفتارهای زیبای مسلمانان در نشان دادن چهره زیبای دین نقش بسزا دارند.

۴- از آنجا که ائمه(ع) از جمله امام رضا(ع) وارثان پیامبران اولوالعزم و حامیان و محافظان و مدافعان و برپای دارندگان واقعی دین هستند برای دریافت چهره واقعی و زیبای دین باید به آنها مراجعه نمود و از انتساب برخی از امور به دین که موجب ضربه به دین است باید خودداری شود، زیرا از جمله حقوق دین پرهیز از بدعت می‌باشد، که متون اسلامی آن را نکوهش نموده‌اند، از سویی انتساب چیزی به دین که از دین نیست، بدعت می‌باشد.

۵- حقوق مورد اشاره در کاربرد معنای عام حق که احکام شرعی اعم از تکلیفی و وضعی زیر مجموعه آن هستند معنی و مفهوم می‌یابند، برخی از فقها از چنین حقوقی به عنوان «احکام» تعبیر نموده‌اند، از همین رو با کاربرد حقوق در مورد انسان‌ها می‌تواند متفاوت باشد، زیرا حقوق انسان قابل اسقاط می‌تواند باشد، اما حقوق دین قابل اسقاط نیست.

منابع و مأخذ

- **قرآن کریم**
- **نهج البلاغه**: سید رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۰). قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- امام رضا علیه السلام، علی بن موسی. (۱۴۰۶ق: ص). **صحیفه الرضا**، مشهد: کنگره امام رضا علیه السلام.
- امام رضا(ع)، علی بن موسی. (۱۴۰۶ق: ف). **فقه الرضا**، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). **عوالی اللالی**، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- توحیدی، محمد علی. (۱۳۷۷ش). **مصباح الفقاهه**، تقریرات درس آیت الله خویی، قم، مکتبه الداوری.
- جرجانی، سید امیر ابو الفتوح. (۱۴۰۴ق). **آیات الاحکام**، تهران: انتشارات نوید.
- جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ق). **احکام القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). **وسائل الشیعه**، ج ۹ و ۱۶، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- خمینی امام، روح الله (۱۳۸۹ش). **صحیفه نور**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - ره -
- خوانساری، جمال الدین. (۱۳۶۶ش). **شرح غرر الحکم**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۹۳ش). **تبرک - توسل - بدعت**، قم: نشر توحید.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۲۶ق). **رسائل و مقالات**، قم: مؤسسه الامام الصادق(ع).
- سید سابق. (بی تا). **فقه السنه**، بیروت: دار الكتاب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۱). **الجامع الصغیر**، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر.
- شعیری، تاج الدین. (۱۴۰۵ق). **جامع الاخبار**، قم: انتشارات رضی.
- صدوق قمی، ابو جعفر محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). **عیون اخبار الرضا** علیه السلام، تهران: نشر جهان.
- طاهری، حبیب الله. (۱۴۱۸)، **حقوق مدنی**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخر الدین. (۱۳۷۵ش). **مجمع البحرين**، تهران: نشر مرتضوی.
- طیب، سید عبد الحسین. (۱۳۷۸ش). **اطیب البیان**، تهران: انتشارات اسلام.
- عطاردی خوشانی، عزیز الله. (۱۴۰۶ق). **مسند الامام الرضا** علیه السلام، مشهد: مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی.
- عمانی، حسن بن علی. (۱۴۱۳ق). **حیاه ابن عقیل و فقهه**، قم: مرکز المعجم الفقهی.

- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**، قم: نشر هجرت.
- فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب. (بی تا). **القاموس المحیط**، بیروت: دار العلم.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). **الکافی**، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
- مجلسی اصفهانی، محمد باقر. (۱۴۱۰ق). **بحار الانوار**، بی جا: مؤسسه الطبع و النشر.
- مصطفوی، جواد. (بی تا). **ترجمه اصول کافی**، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳ش). **مجموعه آثار شهید مطهری**، قم - تهران: انتشارات صدرا.
- مقیمی حاجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵ش). **حقوق حیوانات در فقه اسلامی**، مجله فقه، شماره ۴۸، ص ۱۳۸-۱۹۵.
- ملکی میانجی، محمد باقر. (۱۴۰۰ق). **بدایع الاحکام**، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۷ق). **عوائد الایام**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- واحدی، علی بن محمد. (۱۴۱۱ق). **اسباب نزول القرآن**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۲۳ق). **طبقاً لمذهب اهل البيت**، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.